

## داستان‌های داوطلبانه

### مداخله در کیانگولا و داوطلبی ما



می‌خواستم مثل همیشه (مانند زمانی که با دوستان حرف می‌زنییم) صدایم را صاف کنم و از مزایای پرداختن به فعالیت‌های داوطلبانه بگویم و مثل همیشه بگویم که این نوع فعالیت‌ها چقدر خوب است و ما چقدر غافل می‌شویم از پرداختن به آن و مشارکت‌های اجتماعی محور توسعه پایدار است و فلان و بهمان! اما با خودم فکر می‌کنم که چرا مشارکت‌اجتماعی به‌رغم همه مزایایی که دارد، گم شده‌است؟ اگر در موقعیتی قرار بگیرم که باانجام آن فعالیت داوطلبانه آسیبی به من وارد نشود، چه راهی را انتخاب می‌کنم؟ یا اگر از اثر گذاری یک اقدام که انجام می‌دهم مطمئن نباشم تن به مشارکت می‌دهم؟ اگر مطمئن نباشم مشارکت من برای حل مسأله‌ای اثر گذار –

چه چند به مقدار اندک – خواهد بود چه برخوردی می‌کنم؟ حاضرم قدمی به جلو برم؟ راستش دلیل این حرف‌ها برمی‌گردد به یک جلسه‌ای دوستانه والبنه خواندن یک گزارش مردم‌شناسی در آفریقا موضوع بچه‌های کار و خیابان از آن موضوعاتی است که این روزها در بین بچه‌های صفحه داوطلبان زیاد مطرح می‌شود. حالا که بچه‌های کار موسسه خانه مهر آمدند روزنامه و ماهم می‌رویم به مدرسه‌شان حسابی رابطه خوبی باهم پیدا کرده‌ایم. حالا هر کدام از ما دغدغه آنها را پیدا کرده و دلمان می‌خواهد این بچه‌ها از آموزش دور نمانند، این موسسه مانند اکثر موسسات مردم‌نهاد و غیردولتی این روزها به مشکلات مالی فراوان برخورد است. اما موضوع از این قرار است که وقتی هر کدام از مادر جمع‌های خوم‌مان مسأله مالی را به‌عنوان نیاز این موسسه مطرح کردیم بازخوردهای متفاوتی دیدیم. بودند افرادی که به فکر جور کردن منابع مالی افتادند و بودند افرادی که برآشفته شدند و گفتند خانواده‌ای که بچه‌اش را می‌فرستد در خیابان که دستمال بفروشد اصلا خانواده نیست و لیاقت کمک ندارد و بچه‌های کار مسأله ما نیست؛ و بودند افرادی که به‌زعم ما و خودشان روشنگرند و به این بچه‌ها به چشم موجودات اضافی نگاه کردند. شاید این دوستان اطمینانی نداشتند!اگر اینکه کمک‌ی به‌بچه‌هاکنند، اتفاق خوبی‌است یاخیر نمی‌دانم، اما چندی پیش گزارشی می‌خواندم از یک زوج ایرانی –بریتانیایی، که توسط سازمان‌های داوطلبانه برای آموزش کودکان اوگاندا به این کشور سفر کرده بودند. در بخشی از این روایت اینگونه آمده‌است:

«ایندز در آفریقا مسأله‌های جدی است. طبق آمار رسمی ۷۰درصد مردم اوگاندا دارای HIV+ هستند، البته آمار غیررسمی بسیار بیشتر از این است. در مدرسه ما ۲۵دانش آموز دارای HIV+ بودند. تصور ما ابتدا این بود، هنگامی که به مدرسه می‌رویم قرار است آموزش زبان بدهیم و البته تا میزانی هم به مسائل بهداشتی و کشاورزی بپردازیم. اما وقتی در موقعیت قرار گرفتیم برنامه‌هایمان به هم ریخت و حدودا هر آنچه که از دستمان برمی آمد بیستی انجام می‌دادیم. روز سوم حضور ما در مدرسه children house در روستای کیوانگالا در کشور اوگاندا بود. رنگ تفریح بود و من در حیاط مدرسه نشسته بودم که محمد، شاگرد ۶ساله کلاس،م در حال قهقهه‌زدن از حال میسرود وروی زمین می‌افتد سریع بالای سرش می‌روم، محمد از تب می‌سوخ. یادم می‌آید مدیر مدرسه اسم او را به‌عنوان یکی از بچه‌های دارای HIV+ به من داده بود و من نمی‌دانستم باید چه کنم. یک لحظه در ذهنم آمد او را بغل نکنم، نکند من هم مبتلا شوم؟! که دستپاچگی و کمک بقیه محمد را به خنامه‌ام (که کنار مدرسه بود) بردم. محمد با HIV+ متولد شده بود و بایستی هر روز قرص‌های قوی می‌خورد که این قرص‌ها هم نیاز به‌مکمل قوی غذایی داشت، ولی فقر غذایی محمد را بسیار ضعیف کرده بود. برایش تخم‌مرغ درست می‌کنم که با نان بخورد، لقمه اول را که می‌خورد، حالش بهتر می‌شود و می‌گوید می‌توانم لقمه دوم را برای برادرم ببرم؟ پیش برادرش می‌رویم، برادری بزرگتر و آن هم مبتلا به HIV+ که وضعیت از محمد بدتر است و اینچنان لاغر و ناتوان شده که ما را به یاد تصاویر کودکان قحطی‌زده آفریقایی منتشرشده در رسانه‌های اندازد.»

دارم به روایت خودم و دوستانم از فعالیت‌های داوطلبانه فکر می‌کنم و روایت این زوج از آموزش به کودکان محروم آفریقایی. نمی‌انسم اگر من جای هر کدام از آنها بودم اصلا حاضر می‌شدم وارد مدرسه‌ای با ۲۵ دانش آموز دارای HIV+ شوم یا خیر. نمی‌دانم اگر هر کدام از آن‌ها بودند چطوی پای من می‌افتاد حاضر می‌شدم او را بغل کنم یا ترس انتقال بیماری منابع از انجام این عمل می‌شد؟ دارم به فاصله خودم و دوستانم فکر می‌کنم در هزینه‌ای که

حاضریم برای یک فعالیت داوطلبانه پرداخت کنیم و هزینه‌ای که آن دو برای این کار پرداخت کرده‌اند. نمی‌دانم اگر این هفته هر کدام از دوستانمان را به مدرسه بچه‌هایم اوگر بیاورند فراد که هر پنجشنبه پشت نیمکت مدرسه می‌نشینند و کتاب ریاضی را دوره می‌کنند همان است که ضایعات خشک‌وتر را از هم جدا می‌کنند، حاضرند به او دست بدهند یا نه؟ اگر داوطلب کمک‌کنی شویم حداقل داوطلب دانستن واقعیت زندگی این بچه‌ها شویم، اگر به هر دلیلی کمک‌نمی‌کنیم حداقل برچسب زدن به آنها را تمام کنیم!

تقریبا همه ما می‌دانیم که سرانه مطالعه در ایران پایین است. شاید فشارهای ناشی از کار، نبود وقت کافی برای مطالعه یا حتی افزایش قیمت کتاب بهانه‌ای باشد برای هر کدام از ما تا این کم‌کاری خود را توجیه کنیم و لابد همه ما می‌دانیم که مطالعه و کتابخوانی در افزایش آگاهی ما بسیار است و سعادت و فاه محقق نمی‌شود جز در سایه آگاهی. اما برای ترویج کتابخوانی که در نهایت بر کیفیت زندگی هر کدام از ما اثر گذار خواهد بود چه کار می‌توان انجام داد؟ چگونه می‌توانیم داوطلب ترویج نوع بهتری از زندگی باشیم؟ امروز می‌خواهم مروری داشته باشیم بر تجربه برخی از کشورها در زمینه ترویج کتابخوانی:

**آفریقای جنوبی:استان‌ها در تلفن‌های همراه**

**برای توسعه کتابخوانی**

بیشتر مردم آفریقای جنوبی در شهرهایی محروم یا مناطق روستایی زندگی می‌کنند. نرخ بالای بیکاری و نابرابری‌های اجتماعی باعث شده که بسیاری از جوانان قادر به تحصیل در مدارس نباشند و بسیاری از دانش آموزان نیز در خواندن و نوشتن ضعف‌های زیادی داشته باشند. بنابراین گزارش بنیاد سوادآموزی «فوندرز» تنها ۸ درصد از مدارس آفریقای جنوبی کتابخانه دارند و حدود ۱۸ درصد از افراد بالای ۱۵ سال بی‌سوادند.

برای تغییر این وضعیت، سازمان غیردولتی «فوندرز» درسال ۲۰۱۱ میلادی در این کشور آغاز به کار کرد و برای ترویج کتابخوانی دست به ابتکارات جدیدی زد. مدیر بنیاد فوندرز می‌گوید: «یکی از دلایل مهم نبود فرهنگ مطالعه در آفریقای جنوبی، گران بودن کتاب‌هاست و قیمت خرید کتاب‌ها خارج از توان مالی بسیاری از مردم است. ما تلاش می‌کنیم امکان دسترسی مردم به کتاب‌ها را افزایش دهیم. اما نه هر کتابی را ما باید شمار کتاب‌های دارای محتوای محلی را افزایش دهیم تا جوانان بین محتوای کتاب‌ها و زندگی واقعی‌شان ارتباطی پیدا کنند و داستان‌ها را مرتبط با خود بدانند و بتوانند نسبت به کتاب‌ها و داستان‌هایی که می‌خوانند واکنش نشان دهند.» بنیاد «فوندرز» از امکانات تلفن همراه نیز برای ارتباط با خوانندگان استفاده کرده‌است. ماهانه بیش از ۵۰ هزار نفر از جوانان آفریقای جنوبی که بیشترشان سنی میان ۱۳ تا ۲۵سال دارند، از طریق تلفن‌های هوشمند، رایانه‌ها و اپ‌میکسیت در گوشه‌های قدیمی تر، از سایت «فوندرز» استفاده می‌کنند. خوانندگان می‌توانند پس از مطالعه کتاب‌ها در تالارهای گفت‌وگو و پرسش و پاسخ شرکت کرده یا اظهار نظر کنند.

مدیر «فوندرز» می‌گوید: «بخش بزرگی از فلسفه کار این است که مطمئن شویم خوانندگان محتوای مطالب را با دوستانشان به اشتراک می‌گذارند. به همین دلیل، هم در سایت پرسش و پاسخ و هم در اپ‌میکسیت، ابزاری برای اشتراک گذاری کتاب فراهم کردیم. ما واقعا تلاش می‌کنیم تا با تشویق خوانندگانمان باعث رشد جوامع‌شان در آینده شویم.» کارکنان «فوندرز» همچنین سعی می‌کنند مهارت‌های تفکر انتقادی در نوجوانان تقویت کنند زیرا این کار بر انتخاب‌هایشان در زندگی شخصی تأثیر می‌گذارد.

بنیاد «فوندرز» همچنین تشکلی از نویسندگان



### مروری بر تجربه کشورها

# چگونه کتابخوانی را همگانی کنیم

را به‌وجود آورده و در حال حاضر با ۲۰ نویسنده از سراسر جنوب آفریقا که محتوای کتاب‌ها را در

طیف وسیعی از زبان‌های آفریقایی فراهم کرده‌اند، کار می‌کنند. آنها همچنین به پرورش نویسندگان جوان می‌پردازند. به این نویسندگان فرصت تقویت مهارت‌های قسه‌گویی داده می‌شود و از آنها برای رشدشان در نویسندگی حمایت می‌شود. مربی این نویسندگان جوان می‌گوید: «زمانی که پیشرفت آنها را می‌بینید و هنگامی که نوشته‌هایشان را که روزبه‌روز

بهتر می‌شوند، می‌خوانید و وقتی

می‌دانید که در این رشد سهمیم بوده‌اید، بسیار شگفت‌انگیز

است»

از طریق تکنولوژی تلفن‌همراه، هزاران نفر از جوانان سراسر آفریقای جنوبی به خوانندگان فعال تبدیل شده‌اند. با این وجود هنوز برای دسترسی به کتاب‌ها با محدودیت‌هایی مواجه‌اند و سازمان «فوندرز» سعی دارد کتابخانه‌های برای آنها فراهم کند. **بلژیک تر کیببی**

**از آموزش دیجیتال در عصر دیجیتال**

از بسیاری از معلمان پرسیده می‌شود که آیا کتاب‌های درسی چاپ شده هنوز هم برای دانش آموزان در کلاس‌ها جذاب است؟ و آیا در

درسی دسترسی داشته باشد. هر کس می‌تواند برای مثال، به صدای برنامه گوش دهد و سپس به سوالات و تمرین‌ها پاسخ دهد. برای جوانان این ابزار امتیازات زیادی دارد.

متون آموزشی روی صفحه نمایش دیجیتال ارایه می‌شوند و برای اصلاح تمرین‌ها نیز می‌توان به‌صورت گروهی عمل کرد. با این کار، خواندن متون و هجی کردن کلمات نیز آسان‌تر می‌شود و به این ترتیب دیگر بهانه‌ای برای غیبت از کلاس وجود نخواهد داشت. آن بلین می‌گوید: «دانش آموزی که غایب‌است هم می‌تواند تمام متون درسی را که مادر کلاس انجام می‌دهیم، به‌طور مستقیم در خانه دریافت کند.»

معلمسان نیز می‌توانند فیلم‌هایی را به اشتراک بگذارند که به آسان‌سازی موضوعات درسی کمک می‌کند.

**پرتغال:**

**تقویت ارتباط نسل‌ها برای توسعه کتابخوانی**

تحقیقات نشان می‌دهد که با خواندن به‌طور منظم، افراد عمر می‌توانند احتمال ابتلا به آلزایمر را کاهش دهند. در کشور پرتغال پروژه‌های در حال اجراست که سعی دارد عشق به خواندن را از طریق ایجاد ارتباط میان نسل‌ها تقویت کند.

در شهر کالداس دلاریبیا در کشور پرتغال، پروژه‌ای به نام «خواندن برای شنیدن صدای انسان» در حال اجراست. در این پروژه دانش آموزان، زیر نظر معلمان، بخشی از وقت آزادشان را به خواندن کتاب اختصاص می‌دهند و سپس آنها را با افراد مسنی که در خانه سالمندان نزدیک مدرسه‌شان بسر می‌برند به اشتراک می‌گذارند.

انا سیمانو، یکی از این دانش آموزان می‌گوید: «من یاد گرفتم که چگونه از خواندن ادبیات قدیم لذت ببرم. چیزی که قبلا تمایلی به آن نداشتم. مثلا کتون بیشتر مایلم که کتاب‌های ادبی پرتغال را بخوانم. قبلا سعی می‌کردم بخوانم اما هیچ چیزی نمی‌فهمیدم و در نهایت دوستانم نداشتم.» در خانه سالمندان، همیشه دانش آموزان به گرمی استقبال می‌شود.

یکی از ناب‌نشینان ساکن خانه سالمندان می‌گوید: «ضرب‌المثل‌ها، حکایات، معماها و این جور چیزها، دانش آموزان آنها را دوست دارند و هنگامی که شروع به آواز خواندن می‌کنند، ما به آنها می‌پیوندم. هر هرگز آواز نخواندم اما آنها همراهی می‌کنم.»

آواز خواندن می‌تواند به این طر حسی ملی برای خواندن تبدیل شده، بر اهمیت با هم بودن و به اشتراک گذاری تجرب و داستان‌ها تا تأکید دارد.

فیلمونا کرووو، هماهنگ‌کننده این پروژه می‌گوید:

«ما فکر کردیم که دانش آموزان می‌توانند به‌نحوی، باز یگران اصلی این روش باشند و این چیزی است که در این پروژه انجام می‌دهیم. ما جوانان را تشویق به خواندن بیشتر می‌کنیم و اساسا به خواندن بهتر و به آید کمک می‌کنیم که به‌عنوان شهروندان رشد کنند زیرا آنها به این ترتیب با بخشی از جامعه ارتباط دارند.»

این دومین سالی است که این پروژه در سطح دانش آموزان دبیرستانی اجرا می‌شود.

مدارس تأکید می‌کنند که این کار، سطح آگاهی دانش آموزان را به دلیل ایجاد پلی با دیگران افزایش داده‌است.

می‌کند که با دیگر کار کنند.»

در این روش علاوه‌بر متون درسی دیجیتال، به هر دانش‌آموز یک لوح رایانه داده می‌شود تا به مواد

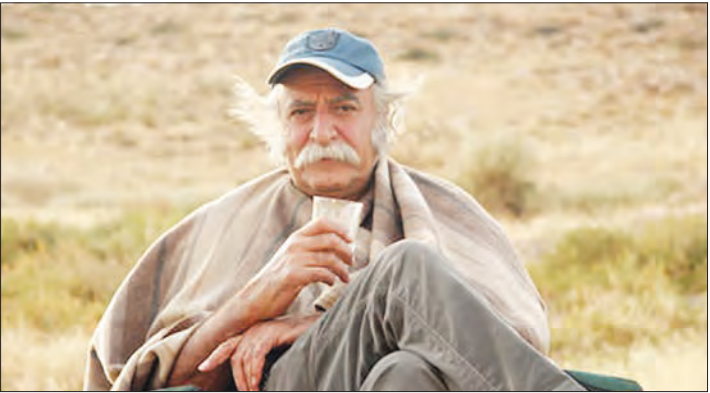
### خطره

### مسئولان دست‌روی دست گذاشته‌اند

# تالاب‌ها یکی یکی دارند خشک می‌شوند!

**| محمدعلی اینانلو | فعال محیط‌زیست |**

که فاصله‌اش از سطح دریا ۳۲۲ متر است اما همه اینها به کنار ما در لوت به منطقه‌ای که کوه‌های شنی نام داشت بر خورد کردیم و مکنلی را دیدیم که با بررسی‌های مختلف متوجه شدیم فاصله‌اش از سطح دریا نزدیک به ۱۰۴ متر است که پایین‌ترین نقطه ایران نیز لقب می‌گیرد. تمام این خاطرات



می‌کنند و گذران عمر. بد نیست که به چند اتفاق مهم در این سفر بپردازیم اول از همه به عید نوروز و سفره هفت‌سینی که در دل کویر برپا شد، اشاره به هفت‌سین یکی از جذابیت‌هایی بود که در این سفر تحقق یافت و جنبه‌ای عمومی برای تمام گروه داشت. اما موضوع مهم‌تر سسالوز تولد من است که دقیقا در دوم فروردین است و دوستان من به همین بهانه در لوت برای من تولد مبارک برگزار کردند که شاید یکی از بهترین تولدهای زندگی من در این چندین و چند سالی باشد که از عمرم طی شده‌است. اما در این سفر با حیواناتی آشنا شدم که نه آب می‌آشامین و نه نیاز زیادی به غذا داشتند. روهاه شنی یکی از آنها بود، جانوری که از حشرات مختلف تغذیه می‌کرد و نیازی نیز به آب آشامیدنی نداشت. مهم‌ترین افتخاری که نصیب شد این بود که ما به اطلاعاتی دست پیدا کردیم، که در نوع خود می‌تواند بی نظیر باشد. قبل از این سفر ذهنیت خود من این بود که پایین‌ترین نقطه ایران از سطح دریا جازموریان باشد که از تقاعی نزدیک به ۴۰۰ متر از سطح دریا را دارد اما بعد با چاله لوت برخورد کردیم

### باور قی هفته

رفاه ما در این سفر تأمین شود. فردا صبح به مکان یادمان شهدای والفجر ۸ لب رودخانه اروندر رفتیم. شهر فاو عراق به راحتی قابل رؤیت بود. با دیدن عظمت اروند، عظمت کار نیروهای مسا از اروندر در سال ۱۳۶۴ و تصرف فاو در ذهنم تداعی شد. بعدازظهر به شلمچه رفتیم. در کنار یادمان شهدای شلمچه که ۸ شهید گمنام را در آن جا دفن کرده بودند، خیلی معمو شدیم. راوی برای ما گفت: «وجب به واجب این سرزمین راوی شهیدی آغشته‌است.»

برای جانبازان ساخته‌بودند. کار هماهنگی سفر و ساختن سرویس بهداشتی مناسب را از یک‌سسال قبل، جانباز بزرگوار حاج منصور بنایی زاده، عضوانجمن جانبازان نخاعی استان اصفهان پیگیری کرده بود. برادر محمدی و دوستان دیگرشان تمام سعی خود را کرده بودند تا خورده‌یم. از اهواز گذشتیم و ساعت ۱۱ شب به اردوگاه شهیدباکری خرمشهر رسیدیم. هر قسمتی از اردوگاه را به استانی داده بودند. به اردوگاه اصفهان رفتیم. امکانات نسبتا مکفی برای ما تدارک دیده بودند. یک حمام بزرگ با سرویس فرنگی جداگانه برای جانبازان ساخته‌بودند. کار هماهنگی سفر و ساختن سرویس بهداشتی مناسب را از یک‌سسال قبل، جانباز بزرگوار حاج منصور بنایی زاده، عضوانجمن جانبازان نخاعی استان اصفهان پیگیری کرده بود. برادر محمدی و دوستان دیگرشان تمام سعی خود را کرده بودند تا

### گزارش سمن‌ها

### انجمن دوستداران یادمان‌های ماندگار

این انجمن یک انجمن مردم نهاد است که در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی فعالیت می‌کند. این انجمن در سال ۱۳۸۸ توسط جمعی از دانش‌آموختگان رشته مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی تأسیس شد. این انجمن فعالیت خود را در سطح استان قزوین با هدف ارتقای سطح دانش عمومی و پرانگیختن احساس مسئولیت نسبت به حفاظت از یادمان‌های تاریخی و فرهنگی آغاز کرده‌است. انجمن در دومین جشنواره ملی اتفاق (سال ۱۳۹۲)، به‌عنوان سمن برگزیده‌استانی



معرفی شد و اولین انجمن تخصصی حوزه مرمت در شهر قزوین است.

تمرکز فعالیت‌های انجمن دوستداران یادمان‌ها در مدت فعالیت خود در مناسبت‌ها و ایام خاصی از سال از جمله: ایام نوروز، هفته بناها و محوطه‌های تاریخی (۲۹ فروردین)، روز جهانی موزه‌ها (۲۱۸ ددبیهشت) و روز ملی قزوین (۹ شهریور) بوده‌ است. انجمن هر ساله اقدام به برگزاری نمایشگاه، جشنواره، همایش، دوره‌های آموزشی، سفرها و بازدیدهای علمی، مسابقه و چاپ مقالات با عنوان و موضوعات فرهنگی و آموزشی می‌کند. همچنین انجمن در راستای نیل به اهداف خود همواره با انجمن‌های تخصصی مشابه خود در استان‌های دیگر تعامل دارد.

**از جمله اهداف انجمن عبارت‌است از:**

- ارتقای سطح دانش عمومی و ایجاد حس تعلق خاطر نسبت به یادمان‌های تاریخی.

- جلب مشارکت عمومی در جهت حمایت و حفظ ارزش‌های فرهنگی، ثروت‌های بوم و تاریخی.

- معرفی و شناساندن رشته‌ها و تخصص‌های وابسته به حوزه میراث فرهنگی.

- شناسایی و معرفی میراث‌مادی و معنوی.

- تحقیق و پژوهش در حوزه‌های مرتبط با میراث فرهنگی.

- غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان با ارائه برنامه‌های مرتبط با اهداف فوق.

- انجمن همچنین دارای چند کارگروه با موضوعات زیر است:

- کارگروه جلب مشارکت در حفاظت

- کارگروه گردشگری

- کارگروه باغستان سنتی

- کارگروه مرز کراساند

- کارگروه پژوهش

- کارگروه آموزش

- کارگروه تدوین مبانی حقوقی رشته مرمت

کارگروه جلب مشارکت در حفاظت از

اجتماعی در حفاظت از بناها و بافت‌های

تاریخی فعالیت می‌کند. انجمن دوستداران

یادمان‌های ماندگار از همه علاقه‌مندان دعوت

می‌کند که با پوستن به این جمع از جمله فعالان

حوزه حفاظت میراث فرهنگی باشند و با ایده‌ها

بیفزایند. جهت ارتباط با انجمن می‌توانید به سایت

www.yademanha.com

مراجعه کنید و با انجمن در ارتباط باشید.

### انجمن جوانان سپیدپارس

این انجمن، سازمان مردم‌نهادی است غیردولتی، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیربازگانی که بیشتر در مازندران فعالیت می‌کند.

**از جمله اهداف انجمن عبارت‌است از:**

۱. آشنایی جامعه و جوانان با مفاهیم میراث

فرهنگی طبیعی

۲. آشنایی جامعه و جوانان با هویت و



توانمندی‌های فرهنگی-طبیعی. هنر و آداب و رسوم ایرانی

۳. آشنایی جامعه و جوانان با مفهوم بیکاری چگی

ملی، به‌دور از هرگونه قومیت‌گرایی و نفاق

۴. آشنایی جامعه و جوانان با دانشمندان،

بزرگان و چهره‌های تاریخی، فرهنگی، ادبی و

هنری کشور

۵. آشنایی جامعه و جوانان با گنجینه‌ها،

موزه‌ها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و هنرگاه‌ها

۶. ایجاد یک نهاد دلساری در پیوند با

مکان‌ها، سازمان‌ها و بناهای ارزشمند فرهنگی-

طبیعی-تاریخی و هنری

۷. گسترش و توسعه صنعت پایدار گردشگری

و صنایع دستی

گزارش فعالیت‌های این انجمن در فراد در همین

ستون منتشر می‌شود.